

دوره نهم نقلیه

جلسه ۱۲۴

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات لیل و - صبح)

یکشنبه ۱۷ فروردین ماه ۱۳۱۴ - ۳ محرم ۱۳۵۴

شماره مسلسل : ۷۸

قیمت الحزاق { مطالبه : داخله : ۲۵۰ ریال
خارجه : ۱۰۰ ریال } تک شماره : دو ریال

مطبوعه مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۱۷ فروردین ماه ۱۳۱۴ هـ (۳ محرم ۱۳۵۴)

فهرست مذاکرات

- | | |
|--|---|
| ۱ (تصویب صورت مجلس) | ۴ (بقیه شور و تصویب مواد قانون مدنی از ماده ۱۱۰۲) |
| ۲ (شور دوم و تصویب مواد قانون مدنی از ماده ۱۰۶۲) | ۵ (موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه) |
| ۳ (معرفی آقای میر عباسخان آریا بهت معاونت وزارت طوق) | |

(مجلس يك ساعت و سه ربع قبل از ظهر برباست آقای دادگر تشکیل گردید)

صورت مجلس روز شنبه ۱۶ فروردین ماه را آقای مؤید احدی (معنی) قرائت نمودند

- | | |
|---|--|
| از کتاب هفتم جلد دوم قانون مدنی در نکاح و طلاق پیشنهاد شده بود برای شور دوم در کمیسیون قوانین عدلیه مطرح پس از مذاکرات لازمه و توضیحاتی که آقای وزیر عدلیه بیان نمودند راپرت شور اول با اصلاحاتی تصویب و اینک خبر آنرا برای تصویب مجلس مقدس شورای عالی تقدیم میدارد | ۱ - تصویب صورت مجلس]
رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟ (گفته شد - خیر) صورت مجلس تصویب شد |
| فصل چهارم - شرایط صحت نکاح | ۲ - شور دوم و تصویب قانون مدنی از ماده ۱۰۶۲]
رئیس - خیر کمیسیون قوانین عدلیه راجع به قسمتی از قانون مدنی شور دوم : |
| ماده ۱۰۶۲ - نکاح واقع میشود به ایجاب و قبول بالفاظی که صریحاً دلالت بر قصد ازدواج نماید | خبر کمیسیون
لابحه نمره ۲۷۶۰۴ دولت که در تعقیب مواد قانون مدنی (بعنوان فصل چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم |

این مذاکرات مشروح بکصدوسی و چهارمین جلسه از دوره نهم تفهیمیه (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)
دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین بی اجازه - آقایان : نازی - فرش - خیرازی - اسدی - کلزدوینان - عراقی - اعظم زنکنه - حمزه تاش - وکیل - محمود تاشی - یونس آقا وهازاده - شریعت زاده - کورس - مهمل - پور سرتیب
دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : ملک مدنی - مرتضی قلیخان بیات - اسفندیاری - دکتر ادهم - امیر تیمور
بک پور - قراگزلو .

رئیس - آقایانی که با ماده ۱۰۶۲ موافقت دارند برخیزند (اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۰۶۳ :

ماده ۱۰۶۳ - ایجاب و قبول ممکن است از طرف خود مرد وزن صادر شود و با از طرف اشخاصی که قانوناً حق عقد دارند.

رئیس - آقای روحی

روحی - راجع باین که ممکن است اشخاصی از طرف مرد وزن اجرای عقد نمایند البته صحیح است و بنده هم در این قسمت عرضی ندارم ولی بسايد شهردی هم حاضر باشند که شهادت بدهند که این عقد واقع شده است والا ممکن است يك اختلافی بعد واقع شود و بدون حضور شاهد تصور نمیکتم که خوب باشد و خوب بود در این جا قید حضور شاهد هم بشود و با این ترتیب نمیشود يك عقدي صورت قطعت پیدا کند.

وزیر عدلیه (آقای صدر) - حضور شاهد در عقد شرط نیست در طلاق است که شرط صحت طلاق حضور شاهد است و فقط برای تثبیت که خلافی روی ندهد همان دفاتر رسمی که داریم کافی است و دیگر احتیاجی بشهود نیست و همان حضور عاقد کافی است که دفاتر هم بامضاء طرفین برسد.

رئیس - آقایانیکه باماده ۱۰۶۳ همراهند برخیزند (عده زیادی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۰۶۴ :

ماده ۱۰۶۴ : عاقد باید عاقل و بالغ و فاسد باشد

رئیس - نظری نیست. همراهان با اجازه برخیزند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۰۶۵ :

ماده ۱۰۶۵ - توالی معرفی ایجاب و قبول شرط صحت عقد است.

رئیس - آقایانیکه موافقت دارند برخیزند (اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۰۶۶ :

ماده ۱۰۶۶ - هرگاه یکی از متعاقبین با هر دو لال باشند عقد با اشاره از طرف لال نیز واقع میشود. شروط بر اینکه بطور وضوح حاکی از انشاء عقد باشد

رئیس - آقای دیبا

طباطبائی دیبا - نظرم می آید که این در موردی است که قائم مقام قانونی نداشته باشند و این در موقعی است که هر دو طرف با يك طرف لال است و قائم مقام نداشته باشند یعنی کسی باشد که عقدا واقع کند ولی در صورتی که قائم مقام قانونی داشته باشند ظاهراً این حکم اینطور نیست.

وزیر عدلیه - این قانون غالباً بر حسب فتاوی علماء و شهرت است و عمل و عرف و عادت از دیرزمانی بر این جاری بوده است مردم هم کاملاً معتقد بآن هستند و قید نیست که در وقتی که یکی با هر دو طرف لال باشند ایجاب و قبول واقع نشود و بکس دیگر وکالت بدهند.

رئیس - آقایانیکه با ماده ۱۰۶۶ همراهند برخیزند (عده زیادی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۰۶۷ :

ماده ۱۰۶۷ - تعیین زن و شوهر بنحوی که برای هیچیک از طرفین در شخص طرف دیگر شبهه نباشد شرط صحت نکاح است

رئیس - آقایانیکه همراهند برخیزند (بیشتر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۰۶۸ :

ماده ۱۰۶۸ - تعلیق در عقد موجب بطلان است

رئیس - نظری نیست. آقایانی که موافقت دارند برخیزند.

(جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۰۶۹ :

ماده ۱۰۶۹ - شرط خیبار فسخ نسبت به عقد نکاح باطل است

ولی در نکاح دائم شرط خیبار نسبت به مدانی جایز است. شروط بر اینکه مدت آن معین باشد و بعد از فسخ مثل آن است که اصلاً مهر ذکر نشده باشد.

رئیس - آقایانی که با ماده ۱۰۶۹ موافقت دارند برخیزند.

(عده زیادی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۰۷۰ :

ماده ۱۰۷۰ - رضای زوجین شرط نفوذ عقد است و هرگاه مکره بعد از زوال کرده عقد را اجازه نکند نافذ است مگر اینکه اکراه بدرجه بوده که عاقد فاسد قصد باشد.

رئیس - اشکالی نیست. آقایانی که با ماده ۱۰۷۰ همراهند برخیزند.

(بیشتر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۰۷۱ :

فصل پنجم - وکالت در نکاح

ماده ۱۰۷۱ - هر يك از مرد وزن میتواند برای عقد نکاح وکالت بغير دهد.

رئیس - آقایانیکه موافقت دارند برخیزند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تأمل فرمائید... تصویب شد. بنده یادآوری میکنم که آن رای بینین را نمیتوانم قبول کنم باجز مائتی با جزماً اثبات. ماده ۱۰۷۲ :

ماده ۱۰۷۲ - در صورتیکه وکالت بطور اطلاق داده شود وکیل نمیتواند موکله را برای خود تزویج کند مگر اینکه این اذن صریحاً یا داده شده باشد.

رئیس - نظری نیست. آقایانیکه باماده ۱۰۷۲ موافقت دارند برخیزند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۰۷۳ :

ماده ۱۰۷۳ - اگر وکیل از آنچه موکل راجع بشخص یا مهر یا خصوصیات دیگر همین کرده تخلف کند صحت عقد

متوقف بر تنفیذ موکل خواهد بود.

رئیس - اشکالی نیست. آقایانی که با ماده ۱۰۷۳ موافقت دارند برخیزند.

(عده زیادی برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۰۷۴ :

ماده ۱۰۷۴ - حکم ماده فوق در موردی نیز جاری است که وکالت بدون قید بوده و وکیل مراعات مصلحت موکل را نکرده باشد

رئیس - نظری نیست. آقایانیکه با این ماده همراهند برخیزند

(بیشتر بلند شدند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۰۷۵ :

فصل ششم - در نکاح منقطع

ماده ۱۰۷۵ - نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معینی واقع شده باشد

رئیس - نظری نیست ؟ (گفته شد - خیر) موافقین باماده ۱۰۷۵ برخیزند

(جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۰۷۶ :

ماده ۱۰۷۶ - مدت نکاح منقطع باید کاملأ معین شود

رئیس - نظری نیست. آقایان موافقین برخیزند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۰۷۷ :

ماده ۱۰۷۷ - در نکاح منقطع احکام راجع بورانت زن و مهر او همان است که در باب ارث در فصل آنی مقرر شده است

رئیس - موافقین با این ماده قیام فرمائید (اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. یکی از آقایان یادداشتی داده است که آقایان را متذکر کنم که اگر در این مواد بحث نمیشود به از باب عدم توجه است برای این است که بزبان این مواد خیلی محکم است و مورد مذاکره ندارد

اورنگ - هزار و سیصد سال است که این مواد معتبر است
 رئیس - ماده ۱۰۷۸ :
 فصل هفتم - در مهر
 ماده ۱۰۷۸ - هر چیزی را که مالیت داشته و قابل
 تملیک نیز باشد میتوان مهر فرار داد
 رئیس - نظری نیست . موافقین برخیزند
 (بیشتر برخاستند)
 رئیس - تصویب شد . ماده ۱۰۷۹
 ماده ۱۰۷۹ - مهر باید بین طرفین تاحدی که رفع
 جهات آنها بشود معلوم باشد
 رئیس - نظری نیست . آقابابیکه با ماده ۱۰۷۹
 موافقت برخیزند
 (عدم زیادی قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد . ماده ۱۰۸۰ :
 ماده ۱۰۸۰ - تعیین مقدار مهر منوط بر تراضی
 طرفین است
 رئیس - نظری نیست . آقابابیکه موافقت دارند
 برخیزند
 (اغلب نمایندگان قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد . ماده ۱۰۸۱ :
 ماده ۱۰۸۱ - اگر در عقد نکاح شرط شود که
 در صورت عدم تادیه مهر در مدت تعیین نکاح باطل خواهد بود
 نکاح و مهر صحیح ولی شرط باطل است
 رئیس - آقابانی که با ماده ۱۰۸۱ موافقت دارند
 برخیزند
 (اکثر قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد . ماده ۱۰۸۲ :
 ماده ۱۰۸۲ - بمجرد عقد زن مالک مهر میشود و
 می تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید .
 رئیس - موافقین با ماده ۱۰۸۲ قیام فرمایند
 (اغلب قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد . ماده ۱۰۸۳ :

ماده ۱۰۸۳ - برای تادیه تمام یا قسمی از مهر میتوان
 مدت یا اقساطی قرار داد
 رئیس - نظری نیست . موافقین باین ماده برخیزند .
 (بیشتر برخاستند)
 رئیس - تصویب شد . ماده ۱۰۸۴ :
 ماده ۱۰۸۴ - هرگاه مهر عین همین باشد و معلوم
 گردد قبل از عقد معیوب بوده و یا بعد از عقد و قبل از
 تسلیم معیوب و یا تلف شود شوهر ضامن عیب و تلف است
اورنگ - صحیح است . نظری نیست
 رئیس - آقابابیکه با ماده ۱۰۸۴ موافقت دارند
 برخیزند
 (عدم زیادی قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد . ماده ۱۰۸۵ :
 ماده ۱۰۸۵ - زن میتواند تا مهر بار تسلیم نشده از
 ابقاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند مشروط
 بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع منقطع حق تقه
 نخواهد بود
 رئیس - نظری نیست . آقابانی که با ماده ۱۰۸۵
 موافقت دارند برخیزند
 (اغلب برخاستند)
 رئیس - تصویب شد . ماده ۱۰۸۶ :
 ماده ۱۰۸۶ - اگر زن قبل از اخذ مهر با اختیار
 خود با ابقاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد قیام نمود
 دیگر نمیتواند از حکم ماده قبل استفاده کند مگر آنکه حقی
 که برای مطالبه مهر دارد ساقط نخواهد شد
 رئیس - آقابابیکه با ماده ۱۰۸۶ موافقت دارند
 برخیزند
 (بیشتر نمایندگان برخاستند)
 رئیس - تصویب شد . ماده ۱۰۸۷ :
 ماده ۱۰۸۷ - اگر در نکاح دائم مهر ذکر نشده با
 عدم مهر شرط شده باشد نکاح صحیح است و طرفین
 می توانند بعد از عقد مهر را بر تراضی معین کنند و اگر قبل

از تراضی بر مهر معین بین آنها نزدیکتر واقع شود زوجه
 مستحق مهر المثل خواهد بود
 رئیس - آقابانی که با ماده ۱۰۸۷ موافقت برخیزند
 (جمع کثیری قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد . ماده ۱۰۸۸ :
 ماده ۱۰۸۸ - در مورد ماده قبل اگر یکی از زوجین
 قبل از تعیین مهر و قبل از نزدیک شدن به مرد زن مستحق
 هیچگونه مهری نیست
 رئیس - نظری نیست آقابابیکه با ماده ۱۰۸۸ موافقت
 برخیزند .
 (بیشتر نمایندگان برخاستند)
 رئیس - تصویب شد . ماده ۱۰۸۹ :
 ماده ۱۰۸۹ - ممکن است اختیار تعیین مهر بشوهر یا
 شخص ثالثی داده شود در اینصورت شوهر یا شخص ثالث
 میتواند مهر را هر قدر بخواهد معین کند .
 رئیس - آقابابیکه با ماده ۱۰۸۹ موافقت دارند برخیزند
 (بیشتر نمایندگان برخاستند)
 رئیس - تصویب شد . ماده ۱۰۹۰ :
 ماده ۱۰۹۰ - اگر اختیار مهر به زن داده شود زن
 نمیتواند بیش از مهر المثل معین نماید .
 رئیس - آقوی دیبا .
حکایتی در باب - راجع به این ماده در کیهان عدلیه
 هم مذاکره شده آقوی وزیر عدلیه يك توضیحاتی دادند ولی
 بنده عقیده ام این است که این دو ماده با هم باید مساوی
 باشد یعنی راجع بشوهر آجا در ماده سابق ذکر شده است
 که هر چه شوهر معین کرد قبول شود ولی در این ماده
 ذکر شده است که زن بیش از مهر المثل نتواند معین
 کند جهت این دو ماده معلوم نیست که آن جا شوهر حق
 دارد هر چه بخواهد معین کند ولی زن این اختیار را
 نداشته باشد جهت آن معلوم نیست .
ولیر عدلیه - بنده لازم میدانم بطور کلی توضیحاتی
 خدمت آقویان عرض کنم که جواب فرمایش نماینده محترم
 هم ضمتاً داده شود . این مواد چند قسم است بعضی

از این مواد است که تعبد صرف است و هیچ نمیتوان
 تصرفی در آن کرد و با طرز وضعیت زوجیت و طلاق
 که خیلی هم محل احتیاط و ملاحظه است و نباید تصرفی
 ما خودمان در آن بکنیم (صحیح است) از این جهت اکثر
 شده است بین احکام مندرجه همین و اگر اختلاف هم
 در بین بوده است آن قسمت اشهر و اکثر که فتاوی
 متأخرین روی اوست گرفته شده که هیچ انکاری در آن
 مواد پیدا نشود يك قسمت از مواد است که منصوصات نیست
 و آنها را با مراجعه بتوانیم خارجاً مخصوصاً قانون سولیس
 که خیلی مفصل است در يك قسمتهایی مثل تکالیف زوجین
 و حقوق خانوادگی که بعد میآید خیلی مشروح و مفصل است
 و يك قسمتهایی که توافق با عادات و شرع داده شده است
 و بر او يك احکامی هم مترتب است آنها را اگر قیام خیلی هم
 خوب شده است و بنده عرض میکنم يك قانون بسیار
 خوبی است (صحیح است) این قسمت که خواننده خواهد
 شد . ولی بکفایت هالی هم که زائد بوده و محل احتیاج
 نبوده است یعنی عرف و اخلاق فاضله ملت ایران طوری
 بوده است که احتیاج نبوده است بذكر آنها که حالا بنده
 بطور تفصیل عرض میکنم و بعضی از آنها را نوری قانون
 آوردن محتاج نیست در صورتیکه بیانی اخلاقی ما روی
 اوست مثل اینکه فرض فرمایید که در يك ماده دیدم که دارد اگر
 پسری در خانه پدری بکند تبرع است و نمیتواند پس بگردولی
 احتیاجی بآن نداشتهیم (صحیح است) برای اینکه اخلاق
 خانوادگی ما طوریست که اصلاً در اینطور چیزها احتیاج
 بقانون نیستیم (صحیح است - احسن) این است که
 قبل ذکر ندانستیم ولی آن قسمتهایی که خیلی خوب بود
 و مفید بود برای تدوین و توضیح حقوق طرفین که
 می توانستند در مقابل آن مطالبه بکنند یا زن مرد خودش
 را بتواند اجبار بطلاق بکند آنها را هم با هم اینک
 موافق باشد با قوانین شرع که مورد هیچ انکاری نیست
 (صحیح است) اینها را هم با دقتی در اینکه موافق باشد
 در احکام شرع و مورد هیچ اعتراضی نباشد از طرف کسی

رعایت شده است و در مورد تعلقات هم هیچ تصرف نمیتوانیم بکنیم و اینکه در اینجا هست همان است که عرض کردم و جواب آقای دیبا هم همین است (صحیح است)

مخبر کیون توانین عدلیه (ولی احمدی) - البته آقای دیبا باین نکته متوجه شده اند و در کمیسیون هم همین بیانها فرمودند ولی ملاحظه بفرمایید چون مهر الهل همین شده است وقتی که اختیار میدهد بشهر میگوید هر شهری میخواهی برای من قرار بده در روی رضایت خودش آن هم قرار میدهد لکن وقتی که بنا شد زن همین کند نمیتواند پیش از مهر الهل همین کند. بفرمایید چرا ابطال اینکه ماوم است که در غیر این حال اچجاف است مهر الهل این است که به بنیم مادر این خواهر این بستگان این چه اندازه مهر داشته اند از حیث شئون خانوادگی و تربیتی و هر دانهی که در خانواده آنها بوده است و اگر آمد و زیاده از آن همین کرد معلوم میشود که اچجاف کرده است و قانون هم عیناً آنرا تصویب کرده است.

رئیس - آقای احتشام زاده فرمایشی داشتید؟

احتشام زاده - عرضی ندارم

رئیس - آقای افسر

افسر - بنده هم عرضی ندارم.

رئیس - آقایان بیکه با ماده هزار و نود و هفتاد بر خیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و نود و یک:

ماده ۱۱۹۱ - برای تعیین مهر الهل باید حال زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات و وضعیت او نسبت با امانت و اقربان و اقارب و همچنین مهر و دل محل و غیره در نظر گرفته شود.

رئیس - نظری نیست؟ (اظهاری اند) آقایانیکه با ماده هزار و نود و یک همراهند بر خیزند (عده زیادی برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و نود و دو:

ماده ۱۱۹۲ - هر گاه شوهر قبل از نزدیکی زن خود را طلاق دهد زن مستحق نصف مهر خواهد بود و اگر شوهر پیش از نصف مهر را قبلاً داده باشد حق دارد باز از نصف را عیناً یا مملأ یا قبضتاً استرداد کند

رئیس - مخانی ندارد. آقایان همراهان با این ماده بر خیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و نود و سه:

ماده ۱۱۹۳ - هر گاه مهر در عقد ذکر نشده باشد و شوهر قبل از نزدیکی و تعیین مهر زن خود را طلاق دهد زن مستحق مهر الهل خواهد بود.

رئیس - نظری نیست. آقایان همراهان بر خیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و نود و چهار:

ماده ۱۱۹۴ - برای تعیین مهر الهل حاکم مرد از حیث غنی و فقر ملاحظه میشود.

رئیس - اشکالی ندارد (گفتند - خیر) کسانیکه با این ماده همراهند بر خیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و نود و پنج.

ماده ۱۱۹۵ - در نکاح منقطع عدم مهر در عقد و موجب بطلان است

رئیس - اعتراضی ندارد. آقایانیکه با این ماده همراهند بر خیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و نود و شش

ماده ۱۱۹۶ - در نکاح منقطع موت زن در انشاء مدت موجب سقوط مهر نمیشود و همچنین است اگر شوهر تا آخر مدت با او نزدیکی نکند

رئیس - کسانیکه با این ماده همراهند بر خیزند (اکثر قیام کردند) تصویب شد. ماده هزار و نود و هفت

ماده ۱۱۹۷ - در نکاح منقطع هر گاه شوهر قبل از نزدیکی تمام مدت نکاح را بگذرد باید نصف مهر را بدهد.

رئیس - همراهان با این ماده بر خیزند (عده زیادی بلند شدند) تصویب شد. ماده هزار و نود و هشت:

ماده ۱۱۹۸ - در صورتیکه عقد نکاح اعم از دائم یا منقطع باطل بوده و نزدیکی واقع نشده زن حق مهر ندارد و اگر مهر را گرفته شوهر میتواند آنرا استرداد نماید.

رئیس - نظری نیست؟ (اظهاری اند) آقایان همراهان با این ماده بر خیزند (عده زیادی برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و نود و نه:

ماده ۱۱۹۹ - در صورت جهل زن بفساد نکاح و انواع نزدیکی زن مستحق مهر الهل است.

رئیس - کسانیکه با این ماده همراهند بر خیزند (اغلب قیام کردند) تصویب شد. ماده هزار و صد و فرات میشود:

ماده ۱۲۰۰ - در صورتیکه مهر الهل بی مجهول باشد یا مالیت نداشته باشد یا مالک غیر باشد در صورت اول و دوم زن مستحق مهر الهل خواهد بود و در صورت سوم مستحق مثل یا قیمت آن خواهد بود مگر اینکه صاحب مال اجازه نماید

رئیس - آقایانیکه با این ماده همراهند بر خیزند (جمع زیادی برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و صد و یک

ماده ۱۲۰۱ - هر گاه عقد نکاح قبل از نزدیکی بجهتی فسخ شود زن حق مهر ندارد مگر در صورتیکه موجب فسخ عین باشد که در این صورت با وجود فسخ نکاح زن مستحق نصف مهر است

رئیس - آقایانیکه با این ماده همراهند بر خیزند (عده زیادی بلند شدند) تصویب شد. رئیس الوزراء فرمایشی داشتند؟

[۴] - مرفی آقای میر عباسخان آریا [بسمت معاونت وزارت طرق]

رئیس الوزراء (آقای فروغی) - خاطر آقایان نمایندگان محترم مبنی بر آنست آقای غامری که

معاون وزارت طرق بودند چنین اقتضا کرد که معاونت اباتک غمهی آذربایجان بایشان داده شود و بنابراین لازم بود که يك معاون دیگری از برای وزارت طرق تعیین شود و چون اجازه اعلیحضرت شاهنشاهی آقای میر عباس خان آریا که از سابق هم آقایان معاونت باحوال ایشان دارند (صحیح است) بمعاونت وزارت طرق تعیین شده اند بنابراین امروز ایشان را بمجلس محترم شورای ملی باین سمت معرفی میکنم (صحیح است - مبارک است)

[۴] - بقیه شور و تصویب مواد قانونی ملی از ماده ۱۱۹۲

رئیس - فصل هفتم. ماده هزار و صد و دو در فرات میشود:

فصل هفتم - در حقوق و تکالیف زوجین نسبت بیکدیگر ماده ۱۱۰۲ - همچنین نکاح بطور صحت واقع شد روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل یکدیگر برقرار میشود.

رئیس - آقایان همراهان با این ماده بر خیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و صد و سه فرات میشود:

ماده ۱۱۰۴ - زن و شوهر مکلف بجهن معاشرت با یکدیگرند:

رئیس - ایرادی ندارد. آقایان همراهان با این ماده بر خیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و صد و چهار:

ماده ۱۱۰۵ - زوجین باید در تشییع مبنای خانواده و تربیت اولاد خود بیکدیگر معاشرت نمایند.

رئیس همراهان با این ماده قیام فرمایند. (عده زیادی برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و صد و پنج

ماده ۱۱۰۵ - در روابط زوجین ریاست خانواده از خصائص شوهر است

رئیس - آقایانیکه با این ماده همراهند بر خیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و صد و شش

ماده ۱۱۰۶ - در عقد دائم نفقه زن بمهر شوهر است

رئیس همراهان باین ماده فرمایند (ا اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و صد و هفت
 ماده ۱۱۰۷ - نفقه عبارت است از مسکن و البسه و نذات و اثاث البیت که بطور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن بداشتن خادم با احتیاج او بواسطه مرض یا نقصان اعضا
 رئیس - آقای اورنگ فرمایشی داشتید؟
 اورنگ - عرضی ندارم در این ماده.
 رئیس - همراهان باین ماده برخیزند (ا اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و صد و هشت
 ماده ۱۱۰۸ - هر گاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود.
 رئیس - نظری نیست. آقایان موافقین یا این ماده برخیزند (ا اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و صد و نه
 ماده ۱۱۰۹ - نفقه مطابق رجمه در زمان عده برعهده شوهر است مگر اینکه طلاق در حال نشوز واقع شده باشد لیکن اگر عده از جهت نسخ نکاح با طلاق بائن باشد زن حق نفقه ندارد مگر در صورت حمل از شوهر خود که در اینصورت تا زمان وضع حمل حق نفقه خواهد داشت.
 رئیس - کسایکه با این ماده همراهند برخیزند (عده زیادی برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و صد و ده قرائت میشود.
 ماده ۱۱۱۰ - در عده وفات زن حق نفقه ندارد
 رئیس - آقایانیکه با ماده هزار و صد و ده موافقتد برخیزند (عده زیادی برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و صد و یازده
 ماده ۱۱۱۱ - زن میتواند در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه بمحکمه رجوع کند در اینصورت محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را بدادن آن محکوم خواهد کرد
 رئیس - آقای اورنگ.
 اورنگ - بنده فقط يك توضیحی میخواستم اینجا

حکم بدهد ولی اجرای حکم بمحکمه بدلائلی ممکن نباشد بنا بر این زن بلا تکلیف میماند و خود او را علاجی نیست جز اینکه طلاق خود را بخواند پس با خواستن زن محکمه در آنصورت حکم بطلاق میدهد.
 رئیس - آقایانیکه با ماده ۱۱۱۲ موافقت دارند برخیزند. (ا اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و صد و سیزده
 ماده ۱۱۱۳ - در عقد انقطاع زن حق نفقه ندارد مگر اینکه شرط شده باینکه عقد مبنی بر آن جاری شده باشد
 رئیس - آقای اورنگ
 اورنگ - در اینجا هم باز همان اشکال جریبان دارد چطور در عقد انقطاع اگر نفقه ذکر نشده و شرط نشده باشد زن ابداً حق مطالبه ندارد فرض کرده است اینها در صورتی که شرط بکند دادن نفقه را بزنی پس زن حق دارد نفقه را بگیرد و زن مستحق میشود و اگر این استحقاق را شوهر نداد و ادا نکرد مطابق ماده قبل زن حق دارد که بمحکمه رجوع کند بمحکمه مراجعه کرد و محکمه هم حکم صادر کرد مثل ماده قبل آن حکم ممکن نشد اجرا شود باز آن موضوع در این معنی هم ساری و جاری هست باینست مبنی حاکم ولی مستحق میتواند مدت باقیمانده را ببخشد این است ایراد بنده و این توضیح لازم دارد
 وزیر عدلیه - در اینجا يك تفاوت هائی مابین زن مفقوده با منقطعه هست و تفاوتهای زیادی است برای اینکه منقطعه شبیه بیک مستاجر است او شبیه است به يك خادمه مزدور پس آن حقوق زناشویی که عبارت است از تساوی و حقوق دیگر برای او نیست نفقه وفقی که شرط شده باشد و بشخص تعلق گرفت مثل هر مزدوری است که برای او حقوقی شرط شده باشد و در آنجا باید با جبار گرفت اگر نشد گرفتن آن مثل يك طلبکار دیگری است که هیچ ممکن نیست وصول آن هیچ جنبه تضمینی ندارد ولی نسبت به زن و مردی که بطور عقد دائم با یکدیگر زوجین هستند چون حقوق و تکالیف دیگری در آنجا هست

البته باید برای زن يك فکر دیگری کرد که اگر این حق باو نرسید بتواند افلاً خودشرا نخلیس بکند ولی در سایر موارد این حکم ساری نیست و ممکن نیست این حکم را کرد و مثل يك طلبکاری است و آنهم در حکم اجرت است باید بگیرد اجرت خودش را (صحیح است)
 رئیس - آقایانیکه با ماده ۱۱۱۳ موافقت دارند فرمایند (ا اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۱۴
 ماده ۱۱۱۴ - زن باید در منزلی که شوهر تعیین میکند سکنی نماید مگر آنکه اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد
 رئیس - آقای اورنگ
 اورنگ - عرض کنم اینجا در ماده همانطور که آقای وزیر عدلیه توضیح فرمودند در ماده ۱۱۰۷ شرح و وصف نفقه را ذکر میکنند که نفقه عبارتست از منزل و البسه و اثاث البیت که بطور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد حالا در این ماده ۱۱۱۴ مینویسد زن باید در منزلی که شوهر تعیین میکند سکنی نماید مگر اینکه اختیار منزل به زن داده شده باشد عرض کنم که متعارف زن این است که در يك منزل بهتری زندگي کند و شوهر از نظر تنزیق به آن زن که او هوش را ببخشد و جانش را خلاص نماید او را در يك منزل پست کثیف نامناسبی می نشاند حالا میخواهیم به بینیم که آن ماده ۱۱۰۷ شامل این مورد هم هست یا خبر یعنی باید زن را بمنزلی نشاند که مناسب و متناسب حیثیت و شرافت او باشد یا اینکه زن بهر منزلی که شوهر تعیین و اختیار میکند مجبور است سکنی نماید این را هم آقای وزیر عدلیه توضیحی فرمایند
 وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم خیلی روشن است مطلب زیرا که آنجا حکم این است که مسکن باید متناسب زن باشد این يك حکم بجای خودش يك حکم دیگر این است که زن آيا بخودی خود آزاد است که هر کجا بخواهد مسکن کند یا باید تابع شوهر باشد و منزلی که شوهر معین میکند چطور باشد آيا متناسب باشد یا نه در همان

ماده ۱۱۰۷ ذکر شده است پس عمل باید متناسب با زن باشد در این صورت هر جا که شوهر معین میکند سکنی مینماید.

رئیس - آقای افسر فرمایشی داشتید

افسر - عرضی ندارم

رئیس - موافقین با ماده هزار صد و چهارده قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۱۱۵ قرائت میشود

ماده ۱۱۱۵ - اگر بودن زن با شوهر در يك منزل متضمن خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد زن میتواند مسکن علیحده اختیار کند در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور محکمه حکم بازگشت بمنزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن بمنزل مزبور معذور است تنقه برعهده شوهر خواهد بود

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - همه آقایان رفقا البته عفو میفرمایند چون این مواد موادی است که بمجرد اینکه از اینجا گذشت عمل ابتلاء عامه خلق است و البته هر قدر در اطرافش يك توضیحی که بنده عرض میکنم و آقای وزیر عدلیه جوابی بیان میفرمایند برای تشریح مطلب خیلی مفید است و چون عمل ابتلاء عامه است خلق بینا میشوند این ماده میگوید اگر بودن زن با شوهر در يك منزل موجب خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد زن میتواند مسکن علیحده اختیار کند در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور محکمه حکم بازگشت بمنزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن بمنزل مزبور معذور است تنقه برعهده شوهر خواهد بود - چطور؟ زنی می آید و می گوید که من بودم با شوهر در این خانه بخصوص توهین است برای من از حیث شرافتم یا ضرر مالی برای من تصور است یا ضرر بدنی دارد از این شوهر میترسم که شب مرا کتک بزند یا بکشد بمجرد گفتن این زن میتواند برود يك منزل علیحده بگیرد و در آنجا بنشیند

ولیر عدلیه - این قسمت در اصول محاکمات باید رعایت شود.

رئیس - آقایانی که با ماده یک هزار و صد و شانزده همراهند برخیزند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۱۱۷ قرائت میشود

ماده ۱۱۱۷ - شوهر می تواند زن خود را از حرافه یا صفتی که منافق مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - این ماده ۱۱۱۷ باز مورد ابتلا است بنوبه

شوهر می تواند زن خود را از حرافه یا صفتی که منافق مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند حال مشخص اینکه این حرافه یا این صفت منافق مصلحت نوری یا منافق مصلحت من است این مشخص شوهر است؟ (همه تائیدکنان)

تامل فرمائید عرض میکنم که شوهری میگوید بزنش که او زور در مدرسه و معلمی بکن این مخالف حیثیت من است آیا حق دارد؟ بنده مخالف بچشم با آنکه میل دارم که توضیح داده شود اگر مشخص خود شوهر است که هر چیز را که خود او منافق مصلحت خودش یا مصلحت عدالتش تشخیص داد می تواند منع کند (بعضی از بایندگان - بله بله صحیح است) بسیار خوب اگر اینطور است که این ماده درست است

وزیر عدلیه - البته آقایان متذکر هستند که قانون

برای این است که در مورد اختلاف از مفاد قانون و مواد آن بتوان حکم کرد و آن مراجعی که برای اختلاف

بین اشخاص در حقوق معین است بتوانند حکم کنند یعنی تکیه گاهی از قانون داشته باشند که اولاً تکلیف به

عهده آنها معین باشد و اگر اختلاف کردند بتوان بر آن حکم کرد يك قسمت از این امور قابل اختلاف نیست

برای اینکه ریاست خانواده با مرد است و البته تشخیص مصالح هم با اوست فرض فرمائید اگر مردی خواست زن

خود را در هر کاری اگر چه کار بسیار شریفی هم باشد منع کند

اگر مخالف شد نسبت بوضعیتی که شوهر جاهل او اختیار کرده است نسبت بجانش یا مالش یا شرافتش می تواند از این حق متمنع شود و خانۀ او را ترك کند ولی چون ممکن است كسکه زن هم يك مدعی مثل سایر مدعی ها مدعی دروغ باشد و برای هوی و هوس بگوید من این خوف را دارم این باید در محکمه اثبات شود و از این جهت است که در صورت ثبوت مظنه ضرر کبر محکمه ثابت شد که این زن مظنه ضرر در خانۀ شوهر دارد در این صورت حکم بازگشت بمنزل شوهر نمیدهد و در این مورد هم تنقه برعهده شوهر است در این صورت او را تا شزه حساب نمیکنند و این فتوایست نکته دیگر هم که البته نظر آقایان هست که در قانون حکمت مخصوصاً این ماده را در آخر قانون اضافه کردیم که کلبه اختلاف و نفاق بین زن و شوهر بحکمیت حل میشود بحکمیت اقرباء و منسوبین هر دو طرف و غالب آنها هم باصلاح منتهی می شود برای اینکه همینطور که زن های بوالهوس پیدا میشوند مردمان جاهل و قس القلب هم پیدا میشوند

رئیس - آقایانیکه با ماده هزار صد و شانزده همراهند برخیزند
(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۱۱۶ قرائت میشود

ماده ۱۱۱۶ - در مورد ماده فوق مادام که محاکمه بین زوجین خانمه ایافته محل سکنتای زن بتراضی طرفین معین میشود و در صورت عدم تراضی محکمه با جلب نظر

اقربای نزدیک طرفین منزل زن را معین خواهد نمود و در صورتیکه اقربائی نباشد خود محکمه محل مورد اطه یقینی

را معین خواهد کرد

رئیس - آقای دیبا

طباطبائی دیبا - بنده عقیده ام این است که این مورد از مواردی است که باید محاکمه اش اختصاری باشد نه محاکمه عادی که یکسال در سال طول بکشد و آنوقت تکلیف

زوج و زوجه معلوم بشود این است كسکه اگر در ماده تخریح میشد که محاکمه این قبیل امور اختصاری است

بمتر بود

که نو دست بهیچ کاری زن و تعرض نکند در اینجا لازم نیست که زن تمکین کند و میتواند اثبات کند که نه منافی مصالح نرومن است و نه منافی شرافت و مصالح خانوادگی است آن قسمی هم که بعد از من است از حیث تربیت اولاد و خانه داری و مرتب کردن امور زندگانی اینها را انجام میدهم ولی یکساعت هم مثلاً میخواهم فلان درس را بخوانم این اشکال ندارد و برای این است که تعدی و ظلم از هیچ طرفی بهیچ طرف نباید بشود ولی يك وقتی است که يك زنی از روی کسب و گرفتن اجرت برود مثلاً مرده شوئی بکند این کار بسیار بدی است

رئیس - همراهین باماده ۱۱۱۷ قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۱۱۸

ماده ۱۱۱۸ - زن - متقلای تواند در دارائی خود هر تصرفی را که میخواهد بکند

رئیس - نظری نیست (خیر) موافقین برخیزند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۱۱۹

ماده ۱۱۱۹ - طرفین عقد ازدواج می توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج با عقد لازم دیگر بنمایند مثل اینکه شرط شود هرگاه شوهر زن دیگر بگیرد یا در مدت معینی غایب شود یا ترك اطفال نماید یا بر علیه حیات زن سوء قصد کند یا سوء رفتاری نماید که زندگانی آنها باینکه دیگر غیر قابل تحمل شود زن وکیل و وکیل در وکیل باشد که پس از اثبات تحقق شرط در محکمه و صدور حکم نهائی خود را مطلقه سازد.

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - این جا هم بنده يك کلمه توضیح بمطلبم که در آخر این ماده دارد پس از اثبات تحقق شرط در محکمه و صدور حکم نهائی خود را مطلقه سازد این حکم نهائی در اینجا صدور حکم از مرحله تمیز است باینجه

شده است به ده سال یا زده سال حبس برای عاقله اش ' هیچ تکلیفی معین نشده است مردی که جانی شد زنی که تقصیر نکرده است بنا بر این همبسطور که ما برای غایب مفقود الاثر حکمی معین کرده ایم که اگر کسی در کشتی غرق شده باشد و چه باشد اینها ذکر شده ولی راجع باین موضوع ذکری در هیچ جا نشده این است که باید دولت این مطلب را در نظر بگیرد یا يك مدتی را در نظر بگیرد و با اینکه در همان حین عقد جزء شروط بشود و اگر صلاح باشد بالاخره باید يك قوانینی برای این کار پیش بینی بشود دو سال سه سال چهار سال يك حدی که قابل تحمل باشد و از این حد بالاتر حکمی معین شود و البته باید

دولت این موضوع را در نظر بگیرد و يك قانونی برایش بیاورد ولیر عدلیه - این بیان آقای مؤید احمدی صحیح است ولی تصور میکنم که در قوانین جزا ممکن باشد که يك پیش بینی برای این قسمت بشود.

رئیس - آقایانی که با مجموع این قانون موافقت دارند برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد.

۵- موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه |

رئیس - اگر اجازه میفرمائید جلسه را ختم کنیم (صحیح است) جلسه آینده روز سه شنبه نوزدهم فروردین پس فردا سه ساعت قبل از ظهر دستور لوابیح وزارت عدلیه

(مجلس مفارن ظهر ختم شد)

اینکه حکم از محکمه ابتدائی صادر شده. این نکته باید توضیح داده شود

وزیر عدلیه - در اصطلاح قوانین اصول محاکمات حقوقی حکم قطعی لازم الاجرا وقتی است که از محکمه استیناف صادر شده باشد یا بواسطه گذشتن مدت استیناف حکم بدوی قطعی شده باشد و حکم نهائی این است که باید تمام مراحل را طی کرده باشد یا مدت آنها گذشته باشد و حق تمیز هم دیگر باقی نمانده باشد.

رئیس - آقای طباطبائی دیبا

طباطبائی دیبا - بنده سابق راجع بتاریخ اجرای این قوانین مدنی - مؤالی کردم آقای وزیر عدلیه جوابی هم فرمودند که حقیقه بنده قانع نشدم میخواستم عرض کنم که این قانون تاریخ اجرای از کی است اگر موافق قانون مدنی است که باید تصریح شود و الا این قوانین که متدرجاً میآید باید تاریخ اجرای معین باشد و الا تاریخ اجرای معین نباشد همیشه حکم کرد.

وزیر عدلیه - مطابق ماده جلد اول قانون مدنی هر قانونی که تاریخ اجرای معین نشد معلوم است بعد از انتشار در مجله رسمی ده روز در مرکز و در ولایت به تناسب مسافت قابل اجراست

رئیس - رأی میگیریم بماده ۱۱۱۹ موافقین قیام فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد. مذاکره در کلیات است آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بنده در این موقع واقفم بعد از تشکر از آقای وزیر عدلیه که این قوانین را بمجلس آوردند يك موضوعی را لازم میدانم عرض کنم در کسبیبون هم به آقای وزیر عدلیه عرض کردم فرمودند که باید در این موضوع يك فکری کرد و حالا اگر صلاح بدانند در منتم همین قوانین مدنی که می آید موضوع را در نظر بگیرند و مبتلا به هم هست چون این موضوع در قوانین مابیش بینی شده است و آن مسئله حبس است فلان آدم فلان خیانت را کرده است آدم کشته یا يك خیانتی کرده است که بالاخره محکوم

قانون مدنی

فصل چهارم - شرایط صحت نکاح

- ماده ۱۰۶۲ - نکاح واقع میشود بايجاب و قبول اللفاظیکه صریحاً دلالت بر قصد ازدواج نماید .
- ماده ۱۰۶۳ - ایجاب و قبول مکنت از طرف خود مرد وزن صادر شود و از طرف اشخاصیکه قانوناً حق عقد دارند
- ماده ۱۰۶۴ - عاقد باید عاقل و بالغ و قاصد باشد
- ماده ۱۰۶۵ - توالی هرئي ایجاب و قبول شرط صحت عقد است
- ماده ۱۰۶۶ - هرگاه یکی از متعاقبین پسر و لال باشند عقد با اشاره از طرف لال نیز واقع میشود مشروط بر اینکه بطور وضوح حاکی از انشاء عقد باشد .
- ماده ۱۰۶۷ - تعیین زن و شوهر بنحوی که برای هیچیک از طرفین در شخص طرف دیگر شبهه باشد شرط صحت نکاح است
- ماده ۱۰۶۸ - تعلیق در عقد موجب بطلان است
- ماده ۱۰۶۹ - شرط خیابار تسبیح نسبت بقصد نکاح باطل است ولی در نکاح دائم شرط خیابار نسبت بمداق جایز است مشروط بر اینکه مدت آن معین باشد و بعد از تسبیح مثل آنست که اصلاً مهر ذکر نشده باشد
- ماده ۱۰۷۰ - رضای زوجین شرط تاقوت عقد است و هرگاه مکره بعد از زوال کرده عقد را اجازه کند نافذ است مگر اینکه آکره بدرجه بوده که عاقد نافذ قصد باشد

فصل پنجم - وکالت در نکاح

- ماده ۱۰۷۱ - هر يك از مرد و زن میتواند برای عقد نکاح وکالت بگیرد
- ماده ۱۰۷۲ - در صورتی که وکالت بطور اطلاق داده شود وکیل نمیتواند موکله را برای خود تزویج کند مگر اینکه این چن صریحاً آورده شده باشد .
- ماده ۱۰۷۳ - اگر وکیل از آنچه که موکل راجع بشخص اوهر یا خصوصیات دیگر معین کرده تخلف کند صحت عقد متوقف بر تلبیه موکل خواهد بود .
- ماده ۱۰۷۴ - حکم ماده فوق در موردی نیز جاری است که وکالت بدون قيد بوده و وکیل مراعات مصلحت موکل را نکرده باشد

فصل ششم - در نکاح منقطع

- ماده ۱۰۷۵ - نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معینی واقع شده باشد
- ماده ۱۰۷۶ - مدت نکاح منقطع باید کاملاً معین شود
- ماده ۱۰۷۷ - در نکاح منقطع احکام راجع بمراتت زن و به مهر او همانست که در باب لوث و در فصل آتی مقرر شده است

فصل هفتم - در مهر

- ماده ۱۰۷۸ - هر چیزی را که عاقد داشته و قابل تملك نیز باشد میتواند مهر قرار داد
- ماده ۱۰۷۹ - مهر باید بین طرفین تسامعی که دفع جهالت آن ما بشود معلوم باشد .
- ماده ۱۰۸۰ - تعیین مقدار مهر منوط بتراضی طرفین است
- ماده ۱۰۸۱ - اگر در عقد نکاح شرط شود که در صورت عدم تأدیة مهر در مدت معین نکاح باطل خواهد بود نکاح و مهر صحیح ولی شرط باطل است
- ماده ۱۰۸۲ - بمجرد عقد زن تملك مهر میشود و میتواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید
- ماده ۱۰۸۳ - برای تأدیة تمام یا قسمتی از مهر میتواند مدت یا اضافی قرار داد
- ماده ۱۰۸۴ - هرگاه مهر معین معین باشد و معلوم گردد قبل از عقد میبوی بوده و یا بعد از عقد و قبل از تسلیم معیوب و یا تلف شود شوهر ضامن عیب و تلف است
- ماده ۱۰۸۵ - زن میتواند تا مهر او تسلیم نشده از ایفاء وضامنی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع منقطع حق نفقه نخواهد بود

ماده ۱۰۸۶ - اگر زن قبل از عقد مهر اختیار شود بخواهد وظایفی که در مقابل شوهر دارد بجا نبرد دیگر نمیتواند از حکم ماده قبل استثناء کند مگر آنکه حلی که برای مطالبه مهر دارد سابقه نتواند دهد
ماده ۱۰۸۷ - اگر در نکاح دائم مهر ذکر نشده باشد مهر شرط شده باشد نکاح صحیح است و طرفین میتوانند بعد از عقد مهر را بتراضی معین کنند و اگر قبل از تراضی بر مهر معین بین آنها نزدیکتر واقع شود زوجیه مستحق مهر المثل خواهد بود
ماده ۱۰۸۸ - در مورد ماده قبل اگر یکی از زوجین قبل از تعیین مهر قبل از نزدیکی ببرد زن مستحق هیچگونه مهری نیست

ماده ۱۰۸۹ - ممکن است اختیار تعیین مهر بشوهر یا شخص ثالثی داده شود در این صورت شوهر یا شخص ثالث میتواند مهر را هر قدر بخواهد معین کند

ماده ۱۰۹۰ - اگر اختیار تعیین مهر بر زن داده شود زن نمیتواند بیشتر از مهر المثل معین نماید
ماده ۱۰۹۱ - برای تعیین مهر المثل باید حال زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات و وضعیت او نسبت با اهل و اقربان و همچنین معمول محل و غیره در نظر گرفته شود

ماده ۱۰۹۲ - هرگاه شوهر قبل از نزدیکی زن خود را طلاق دهد زن مستحق نصف مهر خواهد بود و اگر شوهر پیش از نصف مهر را قبلاً داده باشد حق دارد مازاد از نصف را عیناً یا مثلاً یا قیماً استرداد کند

ماده ۱۰۹۳ - هرگاه مهر در عقد ذکر نشده باشد و شوهر قبل از نزدیکی و تعیین مهر زن خود را طلاق دهد زن مستحق مهر المثل است و اگر بعد از آن طلاق دهد مستحق مهر المثل خواهد بود
ماده ۱۰۹۴ - برای تعیین مهر المثل حال مرد از حیث ثنا و فقر ملاحظه میشود

ماده ۱۰۹۵ - در نکاح منقطع عدم مهر در عقد موجب بطلان است
ماده ۱۰۹۶ - در نکاح منقطع موت زن در اثناء مدت موجب سقوط مهر نمیشود و هم چنین است اگر شوهر تا آخر مدت یا او نزدیک نکند

ماده ۱۰۹۷ - در نکاح منقطع هرگاه شوهر قبل از نزدیکی تمام مدت نکاح را به بگذرد باید نصف مهر را بدهد
ماده ۱۰۹۸ - در صورتیکه عقد نکاح ام از دائم یا منقطع باطل بوده و نزدیکی واقع نشده زن حق مهر ندارد و اگر مهر را گرفته شوهر میتواند آنرا استرداد نماید

ماده ۱۰۹۹ - در صورت جهل زن بقصد نکاح و وقوع نزدیکی زن مستحق مهر المثل است
ماده ۱۱۰۰ - در صورتیکه مهر المسمی مجهول باشد یا مالیت نداشته باشد یا ملک غیر باشد در صورت اول و دوم زن مستحق مهر المثل خواهد بود و در صورت سوم مستحق مثل بقیمت آن خواهد بود مگر اینکه صاحب مال اجازه نماید

ماده ۱۱۰۱ - هرگاه عقد نکاح قبل از نزدیکی بجهتی نسخ شود زن حق مهر ندارد مگر در صورتیکه موجب نسخ عین باشد که در اینصورت با وجود نسخ نکاح زن مستحق نصف مهر است

فصل هشتم - در حقوق و تکالیف زوجین نسبت بیکدیگر

ماده ۱۱۰۲ - همبستگی نکاح بطور صحت واقع شد روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل هم دیگر برقرار میشود

ماده ۱۱۰۳ - زن و شوهر مکلف بحسن معاشرت با یکدیگرند
ماده ۱۱۰۴ - زوجین باید در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود با یکدیگر مساعدت نمایند

ماده ۱۱۰۵ - در روابط زوجین رعایت خانواده از خصایص شوهر است
ماده ۱۱۰۶ - در عقد دائم قته زن چیده شوهر است

ماده ۱۱۰۷ - قته عبارت است از مسکن و الب و غذا و اثاث الیه که بطور مشارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن بداشتن خادم یا احتیاج او بواسطه مرض یا قصار انشاء

ماده ۱۱۰۸ - هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق قته نخواهد بود
ماده ۱۱۰۹ - قته مطلقه رجوعیه در زمان عدم برعهده شوهر است مگر اینکه طلاق در حال نشوز واقع شده باشد لیکن اگر بعد از جهت نسخ نکاح با طلاق بائن باشد زن حق قته ندارد مگر در صورت حمل از شوهر خود که در اینصورت تا زمان وضع حمل حق قته خواهد داشت

ماده ۱۱۱۰ - در عده و قات زن حق قته ندارد
ماده ۱۱۱۱ - زن میتواند در صورت استتکاف شوهر ازدادن قته بعهده رجوع کند در اینصورت عهده میزان فقرا معین و شوهر را بدادن آن محکوم خواهد کرد

ماده ۱۱۱۲ - اگر اجراء حکم مذکور در ماده قبل ممکن نباشد مطابق ماده ۱۱۰۹ رفتار خواهد شد

ماده ۱۱۱۳ - در عقد انقطاع زن حق قته ندارد مگر اینکه شرط شده یا آنکه عقد معینی بر آن جاری شده باشد
ماده ۱۱۱۴ - زن باید در منزلی که شوهر تعیین میکند سکنتی نماید مگر آنکه اختیار تعیین منزل بر زن داده شده باشد

ماده ۱۱۱۵ - اگر بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد زن میتواند مسکن علیحده اختیار کند و در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور معاهده حکم بازگشت بمنزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن بمنزل مزبور معذور است قته برعهده شوهر خواهد بود

ماده ۱۱۱۶ - در مورد ماده فوق مادام که عاقله بین زوجین خانه نیاخته محل سکنتی زن بتراضی طرفین معین میشود و در صورت عدم تراضی عهده با چاب نظر از برای نزدیک طرفین منزل زن را معین خواهد نمود و در صورتیکه اقربائی نباشد خود عهده محل مورد اطینائی را معین خواهد کرد

ماده ۱۱۱۷ - شوهر میتواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که متعلق بمصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند
ماده ۱۱۱۸ - زن مستقلاً میتواند در دارائی خود هر تصرفی را که میخواهد بکند

ماده ۱۱۱۹ - طرفین عقد ازدواج میتوانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا بعد از آن دیگر بنمایند مثل اینکه شرط شود هرگاه شوهر زن دیگر بگیرد یا در مدت معینی غائب شود یا ترک اخلاق نماید یا بر علیه حیات زن سوء قصد کند یا سوء رفتاری نماید که زندگانی آنها با یکدیگر غیر قابل تحمل شود زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که پس از اثبات تحقق شرط در عهده و صدور حکم نهائی خود را مصلحت سازد

این قانون که مشتمل بر پنجاه و هشت ماده است در جلسه هفدهم فروردین ماه یکهزار و سیصد و چهارده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر